



چشم اندازی نوین برای مبارزه ای رادیکال تر

بودجه سال ۱۳۸۴ و نتایج آن

به رغم این که در یک سال گذشته، تحت تاثیر مجموعه ای از تحولات سیاسی داخلی و منطقه ای، از دامنه اعتلاء جنبش توده ای و شکل سیاسی جنبش در ایران کاسته شد و مبارزات، عمدتاً حول مطالبات اقتصادی و صنفی متمرکز گردید، معهدا، روندی که مبارزه طبقاتی، طی نمود، دارای دو ویژگی برجسته بود که تاثیر و نتایج مثبت خود را بر روند آتی مبارزه طبقه کارگر و توده های زحمتکش بر جای خواهد نهاد.

نخست این که خصلت طبقاتی جنبش، برجسته تر و پررنگ تر شد و ثانیاً- مبارزات، سازمان یافته تر و از این رو آگاهانه تر بودند. این نکات را به وضوح می توان با رجوع به این واقعیت نشان داد که در سال گذشته، نیروی حی حاضر در صحنه مبارزه طبقاتی، اساساً طبقه کارگر و زحمتکشان متحد این طبقه بوده اند. در طول این یک سال، کارگران صدها مورد حرکت های اعتراضی در شکل اعتصاب، تحصن، تجمع، راهپیمایی تظاهرات داشته اند و کمتر روزی را می توان سراغ گرفت که شاهد مبارزه علنی کارگران یک یا چند کارخانه تولیدی و یا مؤسسه خدماتی نباشیم. تداوم مبارزات، اعتصابات که گاه چندین روز ادامه داشت، تجمعاتی که به دفعات توسط کارگران یک کارخانه صورت گرفت، همگی بیانگر آگاهی طبقاتی فزون تر کارگران و شکل های سازمان یافته تر مبارزه اند.

نیازی به توضیح این واقعیت نیست که وقتی کارگران معدن یا کارخانه، اعتصابی را برپا می کنند که چندین روز به طول می انجامد، یا کارگران فلان کارخانه، مستمرا در مقابل کارخانه و یا مؤسسات دولتی دست به تجمع و اعتراض می زنند، تنها، این حقیقت را آشکار نمی کنند که دریافته اند، منافع واحد و دشمن مشترکی دارند، تنها همبستگی طبقاتی خود را نشان نمی دهند، بلکه این واقعیت را نیز نشان می دهند که برای تحقق اهداف خود، به مبارزه شان شکلی سازمان یافته داده اند و این سازمانیافتگی مبارزه تا بدان حد است که

در صفحه ۲

در این شماره
۲ اخباری از ایران
۴ اخبار کارگری جهان

مجلس شورای اسلامی در روزهای پایانی سال ۱۳۸۳ کار بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ را در فضای پر تنش به پایان رساند. لایحه بودجه سرانجام با ۱۶۵ رای به تصویب نمایندگان رسید. بودجه سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۱/۵۸۹/۹۸۹/۷۷۰ میلیون ریال است که به حسب میزان ۳۰ درصد نسبت به سال ۸۳ افزایش نشان می دهد. درآمدهای بودجه مشتمل بر درآمد حاصل از فروش نفت، درآمد حاصل از فروش شرکت های دولتی زیان ده، مالیاتها و "سایر درآمدها" است.

خاتمی رئیس جمهور به هنگام ارائه لایحه بودجه به مجلس، به روال معمول با وارونه جلوه دادن واقعیت عینی اوضاع نابسامان اقتصادی و عملکرد جمهوری اسلامی، به تعریف و تمجید از دست آوردهای خود کابینه اش پرداخت و گفت بودجه سال ۸۴ باتوجه به تحولات سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و بین المللی بود چه ای برای تحقق

رشد و توسعه اقتصادی است که قرار است از طریق و گذاری منابع سرمایه گذاری دولت به بخش خصوصی، برقراری انضباط مالی و توجه ویژه به سرمایه های انسانی به ایجاد اشتغال، بهره وری و عدالت اجتماعی بیانجامد. هنوز این سخنان عوامفریبانه از دهان رئیس جمهور خارج نشده بود که نمایندگان جناح اکثریت مجلس لایحه بودجه دولت را تورم زا خواندند. کمیسیون تلفیق مجلس که همزمان بررسی مجدد برنامه چهارم اقتصادی دولت را نیز در دست بررسی دارد، خواستار انجام تغییراتی در منابع درآمد و هزینه دولت شد. عمده ترین تغییرات در منابع درآمد، که به تثبیت قیمت فرآورده های نفتی، پست، برق، آب و مخابرات مرتبط است، از دوران ریاست جمهوری رفسنجانی حکومت اسلامی در

در صفحه ۳

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۴۵)

عدم موفقیت: جنبش رهائی بخش زنان در ایالات متحده

در این شماره نشریه کار، ترجمه بخش نخست فصل «جنبش رهائی بخش زنان در ایالات متحده» از کتاب «مبارزه طبقاتی و رهائی زنان» ارائه می شود. همان گونه که پیش از این توضیح داده شده است، نشریه کار، تنها، اقدام به درج ترجمه فصل هائی از این کتاب می نماید.

رهائی زنان به بحث های دهه ۱۹۶۰ بازمی گشت. در آن زمان، در مجارستان، چکسلواکی و لهستان مخالفت فزاینده ای با استالین گرانی

وجود داشت، و در غرب، بحران سرمایه داری جهانی به آرامی تعمیق می یافت. تعداد زنان شاغل نیز نسبت به گذشته، از یک سو به مدد افزایش تحصیلات عالی و از سوی دیگر وجود روش های مؤثرتر کنترل بارداری، افزایش یافته بود. در سپتامبر ۱۹۸۷، یک مجله زنان بریتانیایی، به نام "دنده اضافی" (Spare Rib)، نوشت: «جنبش زنان ایالات متحده مادر همه ما است.» به راستی چنین بود. این اولین جنبش حاضر در صحنه بود و هنوز هم برتری های بین المللی خود را حفظ کرده است - به این ترتیب، ما بررسی جنبش مدرن زنان را از ایالات متحده آغاز می کنیم.

در صفحه ۸

ونزوئلا و برزیل، دو تجربه در آمریکای لاتین

دمکراسی بر هر فرد حتا اندک آگاهی روشن تر از پیش ساخته است. مردم کشورهای آمریکای لاتین مانند اکثر قریب در صفحه ۶

ادامه ی نظم سرمایه داری در کشورهای آمریکای لاتین اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای این منطقه از جهان را کماکان در بی ثباتی نگاه داشته است، بی ثباتی که گاهی مانند آرژانتین به فروپاشی و انفجار انجامیده است. چنگال اختاپوسی امپریالیسم آمریکا، که کشورهای آمریکای لاتین را همچون ضامن خود می پندارد و در تمام عرصه ها به دخالت مستقیم در امور آنها می پردازد، پوچی ادعاهای بوش و دارودسته اش را مبنی بر گسترش آزادی و

ایران خود رو

و یک پیروزی دیگر

۷

چشم اندازی نوین برای مبارزه ای رادیکال تر

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارگران سامیکو صنعت

روز چهارشنبه ۲۵ اسفند، کارگران کارخانه سامیکو صنعت همدان، باردیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر این شرکت، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارگران، خواستار بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه خود هستند.

راهپیمایی اعتراضی کارگران نساجی

پانصد تن از کارگران شرکت نساجی «سیلک باف» یزد روز پنجشنبه ۲۷ اسفند، بار دیگر دست به اعتراض و راهپیمایی زدند. این کارگران که بیش از چهار ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، پس از راهپیمایی و تجمع در برابر استانداری، خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

اجتماع اعتراضی کارگران لوله سازی

بیش از یکصد تن از کارگران شرکت لوله سازی اهواز، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و دیگر مطالبات خود، روز ۲۶ اسفند دست به تجمع اعتراضی زدند و جاده اهواز را نیز مسدود کردند. این کارگران چندین ماه است حقوق و مزایای خود را نگرفته اند.

اعتصاب کارکنان بیمارستان

۷۲ تن از کارکنان بیمارستان بندرعباس، روز دوشنبه ۲۲ اسفند در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود، دست از کار کشیدند و سپس با تجمع در برابر این بیمارستان، خواستار پرداخت فوری مطالبات خود شدند.

تجمع اعتراضی در جیرفت

روز یکشنبه ۲۳ اسفند، شماری از کارکنان مرکز بهداشت شهرستان جیرفت در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود، در محوطه این مرکز، دست به تجمع زدند و خواستار پرداخت ۸ ماه حق ماموریت و پاداش کار خود شدند.

اعتراض در شرکت واحد

شش ماه است اضافه کاری کارگران شرکت واحد تهران و حومه قطع شده است و حدود یک سال است که بدون موافقت رانندگان، ماهانه هزار تومان از حقوق آنها کسر می شود. ابراهیم مددی عضو هیئت مؤسس و احیای سندیکاهای کارگران شرکت واحد تهران و حومه در گفتگو با ایسنا گفت، در پی یک حرکت اعتراضی، ۵۰ تا ۶۰ تن از کارکنان این شرکت اخراج شده اند. این اقدامات، اعتراضات رانندگان و سایر پرسنل شرکت واحد را برانگیخته است.

نامه اعتراضی

جمعی از کارگران آب سیستان در یک نامه اعتراضی، خواستار پرداخت جیره غیر نقدی خود شدند. مدیر عامل شرکت از دادن این جیره که هر ساله به صورت عرف به کارگران داده می شود، به ۱۵۷ کارگر با سابقه کاری بالای ۱۰ سال، خودداری می کند.

لیبرال در جنبش های دانشجویی و جنبش زنان دچار تجزیه گردید. گروه های موسوم به اصلاح طلبان حکومتی، نفوذ خود را در این جنبش ها از دست دادند و بخشی از این جنبش ها، به اپوزیسیون های بورژوازی تمایل یافتند. اما در این میان، یک گرایش رادیکال انقلابی نیز در این جنبش ها شکل گرفت و به سرعت رشد کرد. در حالی که این تحولات در درون جنبش لیبرال در جریان بود، جنبش رادیکال کارگری، انسجام و نقش بیشتری پیدا می کرد. مبارزات کارگران وسعت گرفت. بر تعداد اعتراضات کارگری افزوده شد و آگاهی و تشکل کارگران بهبود یافت.

تحولات سیاسی منطقه خاور میانه نیز منجر به وضعیتی در ایران شد که دیگر مجال برای رشد جنبش لیبرال باقی نگذاشت. چرا که نتایج لشکر کشی آمریکا به عراق، منجر به تحولات سیاسی در ایران شد که ابتکار عمل را بیش از پیش از دست گروه های بورژوازی به اصطلاح لیبرال در آورد و به جناح موسوم به اقتدارگرا سپرد. به جای تاکتیک های لیبرالی، بیش از پیش سرنیزه و سرکوب در دستور کار قرار گرفت.

در این شرایط، دیگر لاقال در وضعیت سیاسی فعلی، جانی برای طرح تاکتیک های لیبرالی و عوام فریبی بورژوازی برای انجام اصلاحات از درون رژیم باقی نمی ماند، بلکه آن مبارزه و آن تاکتیک هایی برای مقابله با رژیم کارائی پیدا می کنند که رادیکال، انقلابی و برانداز باشند. این مسیری ست که خود رژیم در برابر توده های مردم قرار داده است. راه دیگری نیست. یا باید به وضع موجود تمکین کرد یعنی همان کاری که گروه های موسوم به اصلاح طلب کردند، یا به مقابله ای رادیکال برای دگرگونی وضع موجود برخاست. یعنی مسیری که توده های کارگر و زحمتکش در پیش گرفته اند. لذا برای آن بخش از جریانات بورژوازی که همچنان مایلند اپوزیسیون نامیده شوند، فعلا کار دیگری باقی نمانده است، جز این که خود را به نوشتن نامه های اعتراضی و امضاهای اینترنتی سرگرم کند، تا زمانی که گویا شرایطی فراهم آید که رژیم ناگزیر موجودیت خود را به رفراندوم بگذارد. عرصه مبارزه واقعی، اما اکنون در دست کارگران و زحمتکشان ایران است. آنها هستند که در طول یک سال گذشته، استوار و پیگیر در میدان مبارزه علنی و رودر رو حضور داشته و با رژیم حاکم بر ایران پیکار کرده اند.

در جنبش های اجتماعی دیگر، نظیر جنبش زنان و جنبش دانشجویی نیز، گرایش رادیکال متمایل به جنبش طبقاتی کارگران است که حضور خود را در عرصه مبارزه حفظ کرده و موقعیت خود را در این جنبش ها بهبود بخشیده است.

آنچه که به وضوح در این تحولات به چشم می خورد، برجسته تر شدن خصلت طبقاتی-کارگری جنبش و سازمان یافتگی روز افزون مبارزات توده های کارگر و زحمتکش است. این تغییرات، از هم اکنون چشم انداز های نوینی را برای مبارزه ای متشکل تر، آگاهانه تر و رادیکال تر، در سالی که تازه آغاز شده است، گشوده است.

اعتصابی چند هفته ای می تواند دوام آورد. علاوه بر مبارزات کارگران، در طول این یک سال شاهد مبارزه متشکل تر و پیگیرتر زحمتکشان متحد طبقه کارگر بوده ایم. نمونه برجسته آن، معلمان سراسر کشورند که پیگیرانه اعتراضات متعددی را برای تحقق مطالبات خود سازمان داده اند و پیوسته مبارزه آنها شکلی سازمان یافته تر به خود گرفته است. این در حالی ست که رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، از تمام تاکتیک ها و امکانات خود برای مهار مبارزه آنها، ایجاد شکاف و اختلاف و برهم زدن روند سازمان یابی معلمان استفاده کرده است. معهدا تداوم مبارزه متشکل معلمان نشان داد که رژیم نتوانست این مبارزه را سد کند و در صفوف متحد آنها شکاف اندازد.

نمونه دیگر، مبارزه پرستاران در سال گذشته است. این مبارزه، هر چند که مراحل اولیه خود را می گذراند، اما در مدتی کوتاه به سرعت رشد کرد و شکلی سازمان یافته تر به خود گرفت. این روند، که مبارزه کارگران و زحمتکشان شکلی سازمان یافته تر به خود گرفته است و خصلت طبقاتی-کارگری جنبش نسبت به جنبه عمومی و همگانی آن پررنگ تر و برجسته تر شده است، منتج از روند تحول مبارزه طبقاتی در طول چند سال گذشته و فعل انفعالات سیاسی دو، سه سال اخیر است. سه مرحله را در این روند می توان از یکدیگر متمایز ساخت.

دوران جدید احیاء جنبش مبارزاتی علنی در اوائل دهه ۷۰، با یک موج مبارزه شورشی تهیدستان حاشیه نشین شهرهای بزرگ در مناطق مختلف کشور آغاز گردید. از آنجائی که این جنبش ها به کلی فاقد سازماندهی بودند، نمی توانستند تداوم داشته باشند. از این رو با سرکوب های خونین نیروهای مسلح رژیم در هر مورد جداگانه از پای در آمدند و تداوم نیافتند. این جنبش ها به رغم خصلت شورشی شان که نقطه ضعف آنها محسوب می شد، جنبش هایی رادیکال بودند، که طغیان توده های فقیر و زحمتکش را علیه نظم موجود بازتاب می دادند.

این مرحله از اعتلاء جنبش، با به قدرت رسیدن جناح موسوم به اصلاح طلب حکومت به پایان رسید. در اواسط دهه ۷۰، یک جنبش لیبرال-رفرمیست، جای جنبش های رادیکال اوائل دهه ۷۰ را گرفت. نیروی محرکه این جنبش لیبرال، عمدتاً یک جنبش دانشجویی بود که رهبری آن در دست گروه های وابسته به اصلاح طلبان حکومتی یا اپوزیسیون های بورژوازی قرار داشت. این جنبش لیبرال، یک جنبش قانونی بود که اهداف و مطالبات آن نه تنها از چارچوب نظم موجود فراتر نمی رفت، بلکه تحقق آنها را با حفظ نظام سیاسی موجود امکان پذیر می دانست. گرچه در این مرحله، جنبش طبقاتی کارگران آرام و پیوسته در حال رشد و اعتلاء بود، اما جنبش لیبرال، ابتکار عمل را در دست داشت و خصلت عمومی و همگانی جنبش برجسته بود.

با آشکار شدن شکست های اصلاح طلبان، دوران افول جنبش لیبرال، آغاز گردید. تفکیک و مرزبندی ها تشدید شد و پایگاه توده ای جنبش

بودجه سال ۱۳۸۴ و نتایج آن

راستای اجرای سیاست های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مبتنی بر لیبرالیزم اقتصادی، هرساله در قالب لایحه بودجه به شرکت های دولتی امکان می داد قیمت کالاها و خدماتی را که ارائه می دهند خود تعیین کنند و به این ترتیب منابع در آمدی ایجاد نمایند. در بودجه سال ۸۴ دولت نیز یکی از منابع درآمد، افزایش بهای این کالاها و خدمات از جمله بنزین و سایر فرآورده های نفتی بود. نمایندگان جناح اکثریت مجلس در راستای تغییراتی که در برنامه چهارم اقتصادی دادند، دولت را موظف نمودند در سال ۸۴ قیمت کالاها و خدمات دولتی را در سطح سال ۸۳ حفظ نماید و در سال های بعد تنها با تصویب مجلس، مجاز به افزایش قیمت است. تغییر دیگری که کمیسیون تلفیق در درآمدهای بودجه در نظر داشت انجام بدهد، درآمد ناشی از فروش ارز است. دولت جمهوری اسلامی سال هاست که یکی از منابع درآمدش فروش ارز به بهائی بالاتر از نرخ بازار است. کمیسیون تلفیق درصدد بود مانع از اجرای این امر در سال ۸۴ شود.

سرانجام پس از بحث وجدل های فراوان، طرح تثبیت قیمت ها در سال ۸۴ تصویب شد و در رابطه با نرخ ارز، مجلس با تصویب قیمت دلار در سطح ۹۰۹۵ ریال با دولت به توافق رسید. در بخش هزینه های بودجه، علی رغم این که کابینه خاتمی، بودجه ارگانهای امنیتی، سپاه و سایر نهادهای سرکوب مستقیم و همچنین بودجه نهادهای مذهبی را به نسبت سال قبل افزایش داده بود، نمایندگان مجلس بودجه این ارگانها را باز هم افزایش دادند. از جمله بودجه مرکز پژوهش های مجلس، دیوان محاسبات شورای نگهبان، سازمان بازرسی کل کشور، مجلس شورای اسلامی، بنیاد حفظ آثار و "ارزش های دفاع مقدس"، حوزه علمیه، صدا و سیما، دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، جامعه الزهرا و پژوهشکده امام خمینی افزایش یافت. بیشترین سهم افزایش بودجه شامل بسیج، بنیاد حفظ "ارزش های دفاع مقدس"، نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها، شورای نگهبان، صدا و سیما، بیمه طلاب، قوه قضائیه و دیوان محاسبات شده است.

به این ترتیب جناح های مختلف درون حکومت اسلامی پس از دور دیگری از کشمکش وجدال، منابع اقتصادی کشور را برای یک سال دیگر میان خود تقسیم کردند. در لایحه امسال بودجه دولت- همانند سال های گذشته- بخش قابل توجهی از بودجه نصیب شرکت های دولتی شده است. این شرکت ها با در دست داشتن منابع اقتصادی کشور، هیچ حساب و کتابی پس نمی دهند. وزیران این شرکت ها با تکیه زدن بر منابع اقتصادی جامعه، ثروت های افسانه ای اندوخته اند. در جانب دیگر، جناح مخالف دولت با استفاده از اهرم مجلس، سعی دارد سهم بیشتری از منابع رایبه خود اختصاص دهد. هر دو جناح برای توجیه نقطه نظرات خود و توجیه اذهان عمومی، عوامفریبانه پای مردم را به میان می کشند و مدعی می شوند که سیاست های جناح آنان، دقیقاً مطابق بر منافع توده مردم است.

توکی نظریه پرداز اقتصادی جناح اکثریت مجلس در توضیح طرح تثبیت قیمت ها می گوید مجلس با این کار از بروز یک فاجعه ملی جلوگیری کرده است، چرا که در صورت تصویب لایحه بودجه و افزایش قیمت فرآورده های نفتی، تورم در سال ۸۴ به ۴۰ درصد می رسد. این در حالی ست که خاتمی به هنگام ارائه لایحه بودجه در مجلس، نرخ تورم در سال ۸۴ را ۱۴ درصد پیش بینی کرده بود.

کمیسیون تلفیق مجلس برای آن که کاهش درآمدهای دولت ناشی از عدم افزایش بهای فرآورده های نفتی را جبران کرده باشد، درآمدهای موهوم و غیر واقعی به بودجه دولت اضافه کرد و همچنین مجلس را موظف نمود از حیف و میل و ریخت و پاش در شرکت های دولتی جلوگیری کند و مسئله وصول مالیات ها را جدی بگیرد تا باکسری بودجه مواجه نشود.

واقعیت این است که طی چند سال گذشته بودجه دولت همواره با کسری مواجه بوده است. این کسری تا آنجا که پای ارقام و آمار و ارائه گزارش در میان است، با حساب سازی، لاپوشانی شده است و در عالم واقعیت بخشی از این کسری از طریق استقراض از نظام بانکی و عملیات خرید و فروش و دلالی جبران شده است و بخش دیگر مستقیماً برگرد به کارگران و سایر حقوق بگیران سرشکن شده است. کاستن مداوم از امکانات درمانی و رفاهی، نپرداختن حقوق و دستمزدها، بستن کارخانه های دولتی از آن جمله اند. اما بودجه امسال از این نظر حتی در مقایسه با سال های قبل منحصر به فرد است که پس از تصویب بودجه هم در میان طرفداران خاتمی و هم در جناح مقابل بحث بر سر این است که میزان درآمدهای دولت در سال ۸۴ مشخص نیست. جناح اکثریت مجلس با تغییر در لایحه بودجه، کسری درآمدهای دولت را که لاپوشانی شده بود، به میزان قابل توجهی افزایش داده است. نمایندگان مجلس خواسته اند دولت از هزینه شرکت های دولتی بکاهد. این امری است که طی بیست و پنج سال گذشته همواره مورد بحث جناح های درونی حکومت بوده اما هرگز به مرحله عمل در نیامده است. در نظام پوسیده و سراپا فساد سیاسی و اقتصادی حاکم چگونه ممکن است کسانی که با تکیه بر امکانات اقتصادی کشور و از جمله شرکت های دولتی، ثروت های بی کران اندوخته اند، به جنگ فساد مالی بروند و از ریخت و پاش خودداری کنند.

مسئله دیگر مالیات ها است. بحث در این باره نیز به قدمت بحث شرکت های دولتی است. تکیه دولت بر درآمد بیکران نفت سبب شده است که سهم مالیاتی و دریافت مالیات تنها آنجا مفهوم پیدا کند که پای کارگران و سایر اقشار حقوق بگیر مطرح است. این ها تنها پرداخت کنندگان مستمر مالیات هستند. هرماهه بخش قابل توجهی از دستمزد و حقوق آنان تحت عنوان مالیات به خزانه دولت بر می گردد تا خرج نهادهای سرکوب و تحمیق شود و این در حالی ست که سرمایه داران به هزاران شیوه از پرداخت

اخباری از ایران

دستمزد کارگران را نمی دهند

- دوهزار تن کارگر شرکت «ایران ترمه» و «تهران پتو» در قم، علاوه بر عیدی، بیش از دوماه است دستمزد خود را نگرفته اند.
- بیش از دوماه است حقوق و مزایای کارکنان بیمارستان ولی عصر پرداخت نشده است. این کارکنان همگی با قراردادهای موقت کار می کنند و هیچگونه تضمینی جهت ادامه کار ندارند.
- شرکت «ایران شعله» تولید کننده انواع اجاق گاز در نیشابور، بیش از دو ماه است دستمزد کارگران را نپرداخته است. کارگران کارخانه یخچال سازی «البرز» واقع در همین شهرستان نیز بیش از دو ماه است حقوق و مزایای خود را نگرفته اند. این دو کارخانه، وابسته به شرکت «ایران شرق» هستند که در حال حاضر با مشکلات و بحران مالی روبرو می باشد.
- ۸۰ کارگر کارخانه «نخ رنگ» همدان، چهار ماه است حقوق و مزایای خود را نگرفته اند. ۲۵ کارگر کارخانه سازنده قاپوق های تند رو واقع در همین شهر نیز، چهار ماه است حقوق نگرفته اند و عیدی سال های ۸۲ و ۸۳ را نیز طلب کارند.

اخراج و بیکار سازی کارگران

- مدیریت کارخانه آجر ماسه آهکی ایرانشهر، در صدد آن است که با پرداخت مبلغ ناچیزی به کارگران (دوماه سنوات)، آنها را اخراج کند.
- مدیریت «کاشی ایرانا» ۵۰ کارگر قراردادی این شرکت را اخراج نمود.
- شرکت شمس عمران، پیمانکار نیروگاه اتمی بوشهر، در واکنش به اعتراض اخیر ۲۰۰ تن از کارگران شرکت، ۴۵ کارگر را اخراج نمود. این اقدام ضد کارگری، اعتراض شدید و شکایت کارگران را در پی داشته است.
- «ایران پاپیروس» واقع در شهرستان ساوه ۱۵۷ کارگر خود را اخراج کرد. از این تعداد ۳۰ کارگر قراردادی و مابقی کارگران رسمی و استخدامی هستند.
- یکصد تن از کارگران شرکت صنایع دریائی (ایران صدرا) که پس از تعطیلات نوروزی به محل کار خود مراجعه کرده بودند، متوجه شدند که کارفرما حکم اخراج آنها را صادر کرده است. شرکت صنایع دریائی با ۱۵۰۰ کارگر در استان بوشهر واقع شده است و در رابطه با ساخت و تعمیر کشتی، اسکله و سکوی نفتی فعالیت می کند. این شرکت سال گذشته نیز پس از اتمام تعطیلات نوروز، گروهی از کارگران را به بهانه اتمام مدت قرار داد و وجود نیروی کار مازاد، اخراج نمود.

حوادث ناشی از کار

- سه کارگر پتروشیمی «شهید تندگویان» که جهت آوردن وسائل کار خود به داخل مخزن اسید رفته بودند، بر اثر خفگی، جان خود را از دست دادند.
- جمعه ۲۹ اسفند یک کارگر ساختمانی که در چهار راه ولی عصر بوشهر مشغول به کار بود، دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. این کارگر خلیل پی دانی نام داشت و افغانی بود.



فقر، بیکاری و بی‌آیندگی برای میلیون‌ها انسان به همراه نداشته و از مردم کشورهای اروپا خواستند که به این قانون نه بگویند.

اعتصاب عمومی در پاکستان

اوضاع اقتصادی در پاکستان وخیم است. بنا به آمار منتشره از سوی سازمان‌های بین‌المللی بیش از ۴۵ درصد مردم این کشور زیر خط فقر زندگی میکنند. در همین حال بیش از ۲۵ درصد نیروی کار ۸ میلیونی این کشور بیکار بوده و بدون کوچکترین حمایت دولتی در فقر و گرسنگی زندگی فلاکت باری دارند. برغم تمام این مصائب چکمه پوشان حاکم در این کشور نیز تنها راه فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی را کاربست بیش از پیش سیاستهای اقتصادی دیکته شده از سوی مراکز مالی امپریالیستی می‌دانند. در همین راستا اخیراً اعلام شد که خصوصی سازی بخش بیشتری از موسسات و مراکز دولتی در دستور کار دولت قرار دارد. اعلام این خبر موجی از نفرت و خشم را در میان کارگران و زحمتکشان این کشور به راه انداخت. در همین رابطه فدراسیون متحد اتحادیه کارگری پاکستان APFUTU طی فراخوانی از کارگران خواست که روز ۱۸ مارس را به روز اعتراض به سیاستهای ضد انسانی دولت تبدیل نماید. در این روز میلیون‌ها کارگر به این فراخوان پاسخ مثبت داده و دست به اعتصاب عمومی زدند. دهها هزار نفر در خیابانهای شهرهای بزرگ پاکستان دست به برپائی تظاهرات و راه پیمائی زده و به نظامیان حاکم هشدار دادند که این تنها آغاز مبارزه آنان برای مرگ یا زندگی است.

تظاهرات ضد جنگ در جهان

روز ۱۹ مارس ۲۰۰۳ دهها هزار سرباز نیروهای نظامی ائتلاف جنگی امپریالیستها لشکر کشی خود به کشور عراق را آغاز نمود و پس از چند ماه و به جا گذاشتن هزاران کشته از مردم بی دفاع این کشور تمام خاک عراق به اشغال نیروهای مهاجم درآمد. امسال در سالروز این جنایت علیه مردم عراق، جنبش ضد جنگ و اشغالگری در روزهای ۱۹ و ۲۰ مارس در بیش از ۴۴ کشور جهان دست به برپائی تظاهرات و راه پیمائی زد تا بار دیگر به افکار عمومی جهان و رهبران جنگ طلب امپریالیستها این واقعیت را خاطر نشان سازد که وجدان آگاه میلیون‌ها انسان ها در سراسر کره ارض این جنایات امپریالیستها را فراموش نکرده و سربازان نیروهای اشغالگر باید با ترک فوری خاک عراق شرخود را از سر مردم زجرکشیده این کشور کم کنند. - در شهر نیویورک و در منطقه سیاه پوست نشین هارلم بیش از ۱۵ هزار نفر به خیابانها آمده و خشم و نفرت خود از این جنگ امپریالیستها را به نمایش گذاشتند. راه پیمانان شعار "سربازان را به خانه برگردانید" سر می‌دادند و از عابریین، که در حاشیه خیابانها به تماشا ایستاده بودند، می‌خواستند که به این حرکت بپیوندند. راه پیمانان تظاهرات منطقه هارلم، که از سوی سازمان‌های چپ و انقلابی جوانان تدارک دیده شده بود، با عبور از مناطق مرکزی شهر به تجمع دهها هزار نفری مخالفان جنگ و اشغالگری امپریالیستها در پارک مرکزی شهر نیویورک پیوستند.

مقامات ارتش اشغالگر امپریالیستها، همچون رژیم گذشته این کشور، حق فعالیت‌های صنفی و اتحادیه ای کارگران را به رسمیت نشناخته و در هر فرصتی برای اعمال فشار به فعالین کارگری در میان نفتگران عراق بهره جسته اند. برغم بیکاری میلیونی، فروپاشی مطلق اقتصادی و آینده ای سیاه برای این کارگران، روحیه مبارزه جویی در میان اعتصابیون فروکش نکرده و این مبارزه تا پیروزی ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران در بلژیک

روز ۲۵ مارس بیش از ۳۰ هزار نفر از کارگران و کارکنان دولتی در منطقه فلاندر در بلژیک دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. اخیراً دولت محلی این منطقه هزینه های رفاهی کارگران و کارکنان دولت را به میزان ۱۳ میلیون یورو کاهش داده است که مخالفت شاغلین دولتی را به همراه داشته است. این در حالی است که وضعیت رفاهی شاغلین دولتی در این منطقه در سالهای اخیر به طور مداوم وخیم تر شده است. در این روز اعتصابیون در مناطق مختلف دست به اعتراض و راه پیمائی زدند. اعتصاب کارگران بارانداز در بندر Antwerp چندین کشتی باربری را به انتظار تخلیه بار خود در صفی طولانی قرار داد.

اعتراض کارگران اروپا

روزهای ۲۲ و ۲۳ مارس رهبران کشورهای اروپائی برای برپائی ۲۵ امین اجلاس وسیع خود در شهر بروکسل پایتخت بلژیک گرد هم آمدند. دستور کار این نشست بررسی پیشبرد برنامه های اقتصادی اتحادیه اروپا بود که تحت عنوان "استراتژی لیسون" در سال ۲۰۰۰ در این شهر به تصویب رسیده و باید تا سال ۲۰۱۰ در تمام کشورهای اروپائی به کار گرفته شود. بر اساس این طرح، اتحادیه اروپا بسط و گسترش نئولیبرالیسم، بازگذاشتن همه جانبه دست سرمایه داران و محدود ساختن باز هم بیشتر قدرت ارگان های توده ائی از جمله اتحادیه های کارگری هدف اصلی خود قرار داده است. به همین مناسبت یکرشته از اتحادیه های کارگری در اروپا از جمله IGM Metal در آلمان و CGT در فرانسه با انتشار فراخوان وسیعی از کارگران اروپا خواستند که در روزهای برپائی اجلاس سران اروپا، در محل برگزاری این اجلاس در شهر بروکسل گرد هم آیند تا بار دیگر اعتراض و مخالفت خود را با سیاستهای ضد کارگری سرمایه داران اروپا از جمله "طرح خدمات" به نمایش بگذارند که بر اساس آن حقوق صنفی کارگران در کشورهای مختلف اروپا باز هم محدود تر شده و دست سرمایه داران در به کار واداشتن کارگران مهاجر از کشورهای نیروی کار ارزان بیش از پیش باز گذاشته می شود. سرانجام در روزهای برگزاری این اجلاس بیش از ۶۰ هزار کارگر از کشورهای مختلف اروپا به این فراخوان پاسخ مثبت داده و ضمن اشغال خیابانهای نقاط مرکزی بروکسل نشان دادند که سرمایه داری تنها آلترناتیو موجود نبوده و آلترناتیو دیگری هم در مقابل مردم اروپا وجود دارد که آن هم قدرت کارگران این قاره است. کارگران در این روز طرح قانون اساسی اتحادیه اروپا را قانون سرمایه داران برای بسط و گسترش نئولیبرالیسم دانستند که نتیجه دیگری جز

اعتصابات معدنچیان آفریقای جنوبی

اواخر ماه اکتبر سال گذشته مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی برای تعیین شرایط کار و دستمزدهای معدنچیان معادن طلای متعلق به شرکت Harmony Gold در آفریقای جنوبی به بن بست رسید. تمام تلاشهای مقامات دولتی هم برای حل اختلافات میان نمایندگان کارگران و صاحبان این معادن تا به امروز بی نتیجه مانده است. به همین دلیل بیش از ۲۱ هزار معدنچی روز ۲۲ مارس دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. یکی دیگر از موارد اختلاف میان کارگران و سرمایه داران طرح اخراج نزدیک به ۵ هزار معدنچی به بهانه "تفویت قدرت رقابت" و در واقع کاهش هزینه های تولید در این معادن است. اعتصابیون اعلام نمودند که ادامه مخالفت سرمایه داران با خواسته های آنان نشان از تلاش صاحبان این معادن برای اخراج کارگران دارد.

اعتصابات کارگران در نیجریه

اوایل ماه ژانویه دولت نیجریه قانونی را به تصویب مجلس این کشور رساند که بر اساس آن قیمت ارزاق عمومی به میزان ۱۹ درصد افزایش یافت. این اقدام از همان آغاز با مخالفت شدید کارگران و زحمتکشان این کشور مواجه شد که با اعتراضات وسیع توده ای همراه بود. در همین رابطه روز ۱۵ مارس دهها هزار نفر در چند شهر این کشور به خیابانها آمدند تا بار دیگر اعتراضات خود علیه این قانون را به نمایش گذارند. توده های خشمگین مردم در این روز به مراکز دولتی و بانکها حمله برده و ساختمان ها و مراکز دولتی را به آتش کشیدند. این تظاهرات با سرکوب وحشیانه ماموران پلیس به خاک و خون کشیده شد و بیش از ۵۰ نفر از تظاهرکنندگان مجروح و دستگیر شدند. بعد از این تظاهرات، مقامات دولت ضمن ممنوعیت هرگونه تظاهرات اعلام نمودند که جنبش مقاومت توده ها را به هر قیمت در هم خواهند شکست. اما گوش توده های جان به لب رسیده مردم به این تهدیدات بدهکار نیست. روز ۲۴ مارس دهها هزار کارگر به فراخوان شورای سراسری اتحادیه های کارگری نیجریه پاسخ مثبت داده و دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. در این روز و برغم ممنوعیت هر گونه حرکت اعتراضی نه تنها در پایتخت بلکه در چند شهر دیگر از جمله Zaniro هزاران کارگر اعتصابی به همراه دیگر اقشار زحمتکش مردم خیابانها را به اشغال خود درآورده و بار دیگر به مقامات دولت یادآوری نمودند که اعتراضات خود را تا لغو قانون افزایش قیمت کالاهای اساسی ادامه می دهند.

اعتصاب نفتگران عراق

روز ۲۰ مارس نفتگران عراقی در بندر بصره دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. علت نارضایتی این کارگران، که امور مربوط به بارگیری کشتی های نفتکش را انجام می دهند، رفتار وحشیانه سربازان ارتش اشغالگر انگلیس در منطقه جنوب عراق است. علاوه بر این

اخباری از ایران

چند خبر کوتاه

- چند تن از کارگران کارخانه شاهو سندانج، روز چهارشنبه ۲۶ اسفند به تهران رفته و در برابر سازمان تامین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران خواستار بازنشستگی بر اساس قانون مشاغل سخت و زیان آور هستند.

- معلمان خرم آباد در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست ها و عدم پرداخت مطالبات خود، در اواسط اسفند ماه به مدت چند روز از رفتن به کلاس های درس خودداری کردند.

- مدیریت شرکت بافت بلوچ در ایران شهر، کارگران این واحد را که در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه حقوق خود در محل کارشان به مدت دو ساعت تحصن کرده بودند، جریمه کرد و دو روز از دستمزدشان کسر نمود.

دستمزد کارگران همچنان زیر خط فقر باقی ماند

پس از ماهها تعطیلی و بی توجهی دولت اسلامی و کارفرمایان نسبت به افزایش حداقل دستمزد کارگران، سرانجام «شورای عالی کار» با احتساب ۱۵ درصد تورم سالانه که از سوی بانک مرکزی اعلام شده است، دستمزد کارگران را برای سال ۸۴، ماهیانه ۱۲۲ هزار و ۵۹۲ تومان تعیین نمود.

نمایندگان دولت، کارفرمایان و سران تشکل های به اصطلاح کارگری وابسته به رژیم، باز هم به سیاق سال های گذشته با افزایش رقم ناچیزی به دستمزدها، مسئله افزایش حداقل دستمزدها را ماست مالی کردند و دستمزد کارگران را همچنان زیر خط فقر تعیین کردند. روشن است که این میزان بسیار ناچیز افزایش دستمزد، نه فقط با نرخ تورم واقعی مطلقا خوانائی ندارد و برای تامین نیازهای حداقل زندگی کفایت نمی کند، بلکه حتی از آن میزانی که دولت از دو سال پیش و تحت عنوان «واقعی» کردن دستمزد ها به خانه کارگر وعده داده بود هم پائین تر است.

ایلنا از قول یک مقام اجرایی خانه کارگر نوشت: «با دستمزد تعیین شده از سوی شورا یعالی کار در سال ۸۴، یک خانواده متوسط کارگری ماهیانه تنها می تواند یک حلب روغن، ۱۰ کیلو سیب زمینی و ۱۰ کیلو پیاز بخرد. نامبرده اضافه کرد با ماهی ۱۲۲ هزار تومان می توان روزانه ۴ عدد نام و یک گرم پنیر و یک گرم سبزی خرید!»

بی تردید افزایش دستمزدها کماکان یکی از خواست های اصلی کارگران است و در سال جدید نیز مبارزه برای افزایش دستمزدها، یکی از عرصه های مهم مبارزات کارگری خواهد بود.

زنده باد سوسیالیسم

اخبار کارگری جهان



تظاهرات ضد جنگ در انگلیس

- در شهر لوس آنجلس بیش از ۲۵ هزار نفر با راه پیمایی در مناطق مرکزی و جنوبی این شهر و یکی از محلات فقر زده این شهر تجمع نمودند. در این راه پیمایی مردم خشمگین طی شعارهای خود از دولت این کشور می خواستند که هزینه های رفاهی را افزایش دهد و نه هزینه های نظامی را.

- روز ۱۹ مارس بیش از ۲۵ هزار نفر در خیابانهای سانفرانسیسکو راه پیمایی کرده و از جنگ طلبان حاکم در این کشور خواستند که به فوریت خاک عراق اشغالی را ترک کنند. تظاهركنندگان در این شهر فریاد می زدند که تنها مردم عراق نیستند که مورد هجوم وحشیانه دولت سرمایه داران در آمریکا قرار گرفتند. میلیونها کارگر و زحمتکش آمریکا نیز از همان فردای به قدرت رسیدن بوش شاهد جنگ تمام عیار دولت وی علیه هر آنچه که بویی از رفاه و حقوق انسانی دارد، بوده اند. در این روز کارگران بارانداز بندر سانفرانسیسکو نیز همبستگی طبقاتی خود با مردم محروم و زجر کشیده عراق را اعلام نمودند و با مسدود ساختن دهانه ورودی به

بودجه سال ۱۳۸۴ و نتایج آن

۸۴ بنا به مصوبه شورای عالی کار ۱۲۲ هزار تومان تعیین شده است که هزینه اجاره خانه را هم به زحمت تامین می کند، در شرایطی که کارگران باز هم باید شاهد تعویق بیشتر همین دستمزدهای ناچیز باشند و در شرایطی که میلیون ها بیکار در فقر و گرسنگی غوطه می خورند، جمهوری اسلامی گسترش اعتراض و مقاومت های کارگری وتوده ای را محتمل می داند و از این رو خود را برای مقابله با اعتراضات آماده می کند.

بیهوده نیست که در بودجه سال جاری، منابع بیشتری به ارگانهای سرکوب و نهادهای تحمیق مذهبی اختصاص داده شده است.

مالیات فرار می کنند. مفاد بودجه سال ۸۴ و تغییرات ایجاد شده در مجلس در آن از هم اکنون روشن می سازد که در سال جدید نیز کارگران واقشار زحمتکش و تهیدست جامعه ما با فقر و محرومیت دست به گریبان خواهند بود. استدلال نمایندگان مجلس مبنی بر مقابله با رشد تورم بحثی عوامفریبانه است. کسری بودجه دولت باید به نحوی جبران شود، از طریق تزریق پول به جامعه. بدون این که تولیدی صورت گرفته باشد. و در نتیجه افزایش تورم و کاهش باز هم بیشتر سطح واقعی زندگی طبقه کارگر و عموم توده های مردم. در شرایطی که حداقل دستمزد کارگران در سال

این بندر، از ورود دهها کشتی به اسکله های تخلیه بار جلوگیری کردند.

- به این ترتیب در بیش از ۷۰ شهر آمریکا دهها هزار نفر از مخالفین جنگ، جوانان، بیکاران و مهاجرین رنگین پوست در روزهای ۱۹ و ۲۰ مارس تظاهرات گوناگونی را برپا کرده و مخالفت خود را با جنگ و آدم کشی امپریالیستها به نمایش گذاشتند.

در دیگر نقاط جهان و شهرهای بزرگ نیز تظاهرات مشابهی در اعتراض به جنگ طلبی امپریالیستها برگزار شد.

- بیش از ۲۰۰ هزار نفر مخالف جنگ از سراسر بریتانیا به شهر لندن آمدند تا در راه پیمایی و تظاهرات وسیع این شهر شرکت کنند. صف طولانی تظاهركنندگان از مقابل سفارت آمریکا عبور کرده و با فریاد "یانکی به خانه ات برگرد" خشم و نفرت خود را از جنگ طلبی امپریالیستها نشان دادند و با اعلام ۲ دقیقه سکوت یاد بیش از ۱۰۰ هزار نفر مردم بی دفاع عراق را که قربانی جنگ نفت امپریالیستها شدند، گرامی داشتند. تظاهركنندگان در انتها در یکی از پارک های مرکزی لندن گردهم آمدند و از دولت انگلستان خواستند که به فوریت خاک جنوب عراق را ترک کند.

- در دیگر شهرهای بزرگ اروپا نظیر رم، بروکسل و چند شهر آلمان نیز در این روز راه پیمایی ها و تظاهرات هائی صورت گرفت که دهها هزار نفر در آنها شرکت نمودند.

در تظاهرات و اعتراضات روزهای ۱۹ و ۲۰ مارس توده مردم، نفرت و انزجار خود از کشتار و جنایات امپریالیستها در عراق را به نمایش گذاشته و خواهان خروج فوری سربازان ارتش های اشغالگر از این کشور شدند.

- در روزهای ۱۹ و ۲۰ مارس شهرهای استانبول و بونوس آیرس نیز شاهد برپایی تظاهرات مشابهی علیه جنگ و جنایت امپریالیستها بود. نزدیک به ۲۰ هزار نفر در این ۲ شهر به خیابانها آمدند و ضمن مخالفت با جنگ، خواستار بهبود شرایط زندگی خود شدند. در هند و در شهر کلکته دهها هزار نفر از مخالفین جنگ به خیابانها آمدند و با ایجاد یک زنجیر انسانی به طول بیش از ۹ کیلومتر، که تمام نقاط مرکزی و اصلی شهر را در بر می گرفت خواستار خروج فوری سربازان ارتش های امپریالیستها از عراق شدند.

ونزوئلا و برزیل، دو تجربه در آمریکای لاتین

به اتفاق کشورهای جهان و ویژه در دو دهه‌ی اخیر قربانی خصوصی سازی های گسترده، انحصارات بزرگ سرمایه داری و سیاست های اقتصادی نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی شده اند. طبیعتاً در چنین شرایطی امواج نوین مبارزه طبقاتی برخاستند و توده های کارگر و زحمتکش به طرق گوناگون در برابر تعرضات نظم سرمایه داری قد علم کردند. از جمله ی این مبارزات می توان به جنبش دهقانان بی زمین در برزیل، جنبش «پیکتوس» ها در آرژانتین علیه فقر و بیکاری و جنبش های گوناگون بومیان اکوادوری برای کنترل منابع نفت اشاره نمود.

شکست دیکتاتوری های نظامی در گذشته از یک سو و گسترش جنبش های اجتماعی و مبارزه طبقاتی در حال حاضر از سوی دیگر منجر به پیروزی های انتخاباتی جناح چپ بورژوازی در کشورهای مختلف آمریکای لاتین شده است: کیرشنر در آرژانتین، تابلرز در اورگوئه، لاگوس در شیلی، گوتیرز در اکوادور و «لولا» و چاوز به ترتیب در برزیل و ونزوئلا. اکثر این اشخاص به نام «واقعیت گرایی» به سیاست های اقتصادی - اجتماعی گذشتگان خود ادامه دادند و در نتیجه در بدتر شدن وضعیت عمومی توده های مردم نقش بازی کردند. با این حال وضعیت در ونزوئلا تا حدود زیادی متفاوت است و هوگو چاوز عملاً راهی به جز همتایان خود برگزیده است.

بیش از دو سال پیش، در ژانویه ۲۰۰۳، لولا رسماً پای به کاخ ریاست جمهوری برزیل گذاشت و رسانه های بزرگ دولتی و انحصارات سرمایه داری در بوق و کرنای دمکراسی بورژوازی دمینند و به قدرت رسیدن یک کارگر سابق را برجسته نمودند. البته آن ها با اطمینان به این کارزار دامن زدند، زیرا خوب می دانستند که لولا برنامه ای به جز ادامه ی سیاست های گذشته ندارد. کارنامه ی دو ساله ی لولا به اندازه کافی گویاست: برگزیدن آنتونیو پالوچی، رئیس بانک مرکزی به عنوان وزیر اقتصاد، افزایش بودجه ی بازپرداخت قروض خارجی از ۳ / ۷۵ % به ۴ / ۴ % به درخواست صندوق بین المللی پول، افزایش نرخ بهره تا ۲۵ / ۱۸ %، تحدید اصلاحات ارضی به بهانه ی مسائل مالی مربوط به اشغال زمین ها، عدم افزایش دستمزد حداقل، خصوصی سازی صندوق های بازنشستگی، خصوصی سازی برق، کاهش حقوق اتحادیه ها و محدودیت حق اعتصاب و حتی کاهش بودجه برای یکی از قول های انتخاباتی به نام «گرسنگی صفر». لولا در کارزار انتخاباتی خود اعلام کرده بود که تلاش خواهد کرد تا ده ها میلیون برزیلی فقیر بتوانند روزی سه وعده غذا بخورند. اما وی کار را به جایی کشاند که فرای بتو، مسئول برنامه ی «گرسنگی صفر» در اوایل سال جاری میلادی استعفاء داد و گفت که سیاست های اقتصادی دولت بیش از حد «محافظه کارانه» است و نمی توان با آن ها گرسنگی را به صفر رساند.

همان قدر که لولای «واقعیت گر» از پایگاه اجتماعی خود فاصله گرفت و از آن جدا شد، به طوری که نه فقط کارگران که حتی مثلاً «جنبش

دهقانان بی زمین» - MST - با ۴۰۰ هزار خانواده اکنون پس از دو سال آشکارا در مقابل وی و دولتش قرار گرفته اند، چاوز در ونزوئلا توانست با اتکای بیش از پیش به توده های مردم جایگاه بیش تری در جامعه پیدا کند و قدرت مندتر به اقداماتی دست بزند که تأثیرات مشخصی بر زندگی کارگران و زحمتکشان این کشور داشته اند. بی جهت نیست که در پنجمین «فوروم اجتماعی جهان»، که در اواخر ژانویه ۲۰۰۵ با حضور ده ها هزار نفر از سراسر دنیا در پورتو الگره ی برزیل برگزار شد از لولا استقبال نشد و برعکس از چاوز به عنوان نماد مقاومت علیه سیاست های نئولیبرالی سرمایه داری و هژمونی امپریالیستی آمریکا تمجید گردید.

چاوز با توجه به این که اقتصاد ونزوئلا بر نفت قرار دارد به ملی سازی دوباره ی «شرکت سهامی عام نفت ونزوئلا» پرداخت و با استفاده از درآمدهای آن یک رشته برنامه های اجتماعی را که نام «مأموریت» گرفته اند به اجرا گذاشت. در سال ۲۰۰۴ بیش از ۵ / ۳ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی به اجرای «مأموریت» ها اختصاص یافت. مأموریت باریو اندنرو با یاری یازده هزار پزشک کوبایی به چهارده میلیون از جمعیت بیست و پنج میلیونی این کشور خدمات رایگان بهداشتی می دهد. مأموریت سوکره به ۲۷ % از فرزندان اقشار محروم جامعه امکان داده است که به تحصیلات عالی بپردازند. شش دانشگاه جدید تأسیس شده و اخیراً به نیم میلیون نفر بورس ماهیانه ای برابر با صد دلار اختصاص یافته است. مأموریت روبینسون هم در نظر دارد بیسوادی را در ونزوئلا ریشه کن کند. از دیگر اقدامات دولت چاوز همانا اصلاحات ارضی ست. بر اساس برنامه ی اصلاحات ارضی، دهقانان بی زمین می توانند ارضی زمینداران بزرگ را که بایر مانده اشغال کرده و به بهره برداری از آن ها بپردازند. قرار است در سال ۲۰۰۵ بیش از ۲ میلیون هکتار در اختیار دهقانان بی زمین قرار بگیرد. کارگران یک کارخانه تولید کاغذ به نام Venepal هم توانستند این واحد را اشغال کرده و خود به تولید و در دست گرفتن امور بپردازند، زیرا کارفرمای آن به دلایل سیاسی کارخانه را از سال ۲۰۰۳ بسته بود. دولت چاوز اخیراً میزان مالیات بر شرکت های خارجی نفت را که در ونزوئلا سرمایه گذاری کرده اند از ۱ % به ۱۶ % افزایش داد و از این منبع در جهت گسترش «مأموریت» ها بهره گرفت.

هر چند هوگو چاوز در چارچوب دمکراسی بورژوازی به قدرت رسیده است، اما برخورد نظم جهانی سرمایه داری و به ویژه امپریالیسم آمریکا به دولت وی صحت گفته ی مارکس را بار دیگر ثابت می کند که بورژوازی وقتی منافعش ایجاب می کند حتی قوانین خود را زیر پا می گذارد.

در ۱۱ آوریل ۲۰۰۲ علیه دولت چاوز کودتا شد و امپریالیسم آمریکا نه فقط از کودتاگران حمایت کرد، بلکه خود در آن نقش داشت. این کودتا با حمایت توده ها از چاوز به شکست انجامید و وی دوباره به مسند قدرت بازگشت. با فشار امپریالیسم ارتجاعی یک همه پرسی در ۱۵ اوت

۲۰۰۴ برگزار شد تا چاوز عزل گردد. امپریالیسم در این کارزار هم شکست خورد. روز ۳۱ اکتبر ۲۰۰۴ انتخابات استانی و شهرداری ها برگزار شد و طرفداران چاوز توانستند ۲۰ استان از ۲۲ و ۲۷۰ از ۳۳۷ شهرداری را از آن خود کنند. با این حال کوندولیزا رایس، وزیر امور خارجه کنونی ایالات متحده در نوامبر ۲۰۰۴ به کشورهای آمریکای لاتین هشدار داد تا مراقب «خطر رژیم چاوز» باشند. وی روز ۱۸ ژانویه ۲۰۰۵ دولت چاوز را «نیروی منفی منطقه» نامید. در فوریه ۲۰۰۵ سخنگویان کاخ سفید، وزارت امور خارجه آمریکا و «سیا» مدعی شدند که دولت چاوز از نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا حمایت می کند و آن را «تهدید منطقه ای» توصیف نمودند. به جز تهدیدات «دیپلماتیک» دار و دسته ی جرج بوش علیه چاوز، عناصری از امپریالیسم ارتجاعی ونزوئلا آشکارا وی را در خطر مرگ قرار داده اند. کارلوس اندرس پرز، رئیس جمهور سابق ونزوئلا که به علت فساد مالی عزل شد و متواری است گفت: «چاوز باید مانند یک سگ بمیرد... وی افزود: «ما نمی توانیم فقط چاوز را از سر راه برداریم و فوراً دمکراسی را مستقر کنیم. ما نیازمند یک دوره گذار دو یا سه ساله هستیم ... پس از سقوط چاوز باید پارلمان و دیوان عالی کشور را تشکیل دهیم.» روز ۲۵ اکتبر ۲۰۰۴ فردی به نام اورلاندو نوردانتا در یک برنامه ی تلویزیونی که از شهر میامی آمریکا پخش می شد گفت: «مسئله ی ونزوئلا با یک تفنگ دوربین دار حل می شود.» چاوز هم در یک برنامه ی تلویزیونی که روز ۲۰ فوریه ۲۰۰۵ پخش شد، گفت: «اگر مرا به قتل برسانند، مسئولیت آن به گردن جرج بوش خواهد بود.»

چاوز روز ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ در فوروم اجتماعی جهان در پورتو الگره گفت که «استقرار یک اقتصاد اجتماعی برای گذار از سرمایه داری» اضطراری ست. وی روز ۱۹ ژانویه ۲۰۰۵ با اعلام ملی کردن کارخانه کاغذسازی Venepal در حضور کارگران و نمایندگان اتحادیه ها، گفت: «کاپیتالیسم خواهان نابودی زحمتکشان است و ما روند آزادی آنان را می پیمایم و به همین علت واشنگتن نگران است.» وی حتی با اشاره به نوشته ی لنین، امپریالیسم، مرحله ی نهایی سرمایه داری، گفت: «سرمایه داری نئولیبرالی، مرحله ی نهایی دیوانگی سرمایه داری ست.»

بدیهی ست که بین گفته های چاوز و عمل به آن ها هنوز فاصله بسیار است. هر چند که ونزوئلا سرمایه داری ست، با این حال تا آنجائی که اصلاحات دولت چاوز در جهت منافع توده های کارگر و زحمتکش این کشور است باید از آن ها دفاع کرد.

برزیل و ونزوئلا دو تجربه را با دو نتیجه ی متفاوت از سر می گذرانند. در یکی کارگر سابق با جدایی از طبقه ی خود به خدمت طبقه ی سرمایه دار درآمده است و در دیگری کسی که خود را ادامه دهنده ی انقلاب بولیواری، به نام بولیوار رهبر جنبش استقلال طلبانه ی ونزوئلا در اوایل سده ی نوزدهم میلادی، می داند در جهت منافع توده های مردم گام می گذارد. به همین خاطر است که نظام ها و پوسیده ی سرمایه داری جهانی از اولی پشتیبانی می کند و در پی ساقط کردن دومی ست.

ایران خود رو و یک پیروزی دیگر

شوند.

خبر این اقدام اعتراضی کارگران ایران خودرو، با توجه به امکانات و وسائل مدرن خبر رسانی به سرعت در محافل کارگری و میان نیروهای مدافع منافع طبقه کارگر در داخل و خارج ایران پخش شد. مدیریت ایران خود رو که از گسترش دامنه اعتراض به سایر بخش های ایران خودرو شدیداً به هراس افتاده بود، به فوریت دست به عقب نشینی زد و کارگران اخراجی را دوباره به سرکارهایشان بازگرداند.

هوشیاری کارگران ایران خودرو، اتحاد و همبستگی غرور انگیز کارگران ایران خودرو و مبارزه پیگیر آنان بار دیگر هزیمت کارفرما و پیروزی کارگران را در پی داشت. این اتحاد، مبارزه، همبستگی و پیروزی کارگران از زبان کارگران ایران خودرو در اطلاعیه ای مورخ ۲۲ اسفند ۸۳ چنین بازتاب یافته است:

« روز پنجشنبه یک بار دیگر اتحاد (و) همبستگی پیروز شد و با خود برگ زرینی در جنبش کارگری ایران خودرو و ایران گشود. بازگشت کارگران اخراج شده که در سایه مبارزات و اتحاد ما کارگران به وجود آمده است یک بار دیگر ثابت کرد اگر ما با هم باشیم اگر ما متحد باشیم هیچ نیروی در مقابل خواسته های برحق ما کارگران توان مقاومت نخواهد داشت.

ما کارگران نه تنها توانستیم دوستان اخراج شده را به سر کار برگردانیم بلکه شرکت مزبور را نیز بپردازد.

ما بازگشت دوستان کارگران را به همه کارگران شرکت ایران خودرو و تمام دوستان کارگر که در این امر یک لحظه از پا ننشستند و به خصوص به کارگران برش و پرس تبریک می گوئیم و یک بار دیگر پیمان می بندیم تا ایجاد تشکل های کارگری تا نابودی سرمایه داری و انحلال شرکت های پیمانکاری و لغو قراردادهای موقت و تا رسیدن به یک زندگی بهتر دست از مبارزه نخواهیم کشید. زنده باد همبستگی کارگری.»

حدود دو هفته مانده به پایان سال ۸۳، ایران خودرو با بیش از ۳۴۰۰۰ کارگر، بار دیگر به عرصه کشمکش و مبارزه آشکار میان کارگران و سرمایه داران تبدیل شد.

حاصل این کشمکش طبقاتی اما، بار دیگر بر رشد درجه آگاهی و سازمانگری در میان کارگران ایران خود رو صحنه گذاشت. روز سه شنبه یازده اسفند، کارگران شرکت پیمانکاری جی پی آی، در شیفست دوم سالن برش و پرس دست به اعتراض زدند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه، عیدی و پاداش آخر سال خود شدند.

سه روز بعد یعنی جمعه ۱۴ اسفند وقتی که کارگران به سر کار می روند (در ایران خودرو، کارگران روزهای جمعه را نیز به اجبار باید کار کنند.) پیمانکار جی پی آی، هفت تن از کارگران را اخراج می کند. این اقدام ضد کارگری، مورد اعتراض شدید کارگران ایران خود رو قرار گرفت. پیشروان کارگری متشکل در ایران خودرو، با یک اقدام هوشیارانه، بلافاصله به حمایت از همکاران اخراجی خود برخاستند و با صدور اطلاعیه ای، بر حقانیت خواست ها و مبارزات کارگران سالن برش و پرس تاکید نمودند.

کارگران ایران خودرو، ضمن محکوم ساختن اقدام مدیریت پیمانکاری جی پی آی، خواستار بازگشت به کار فوری و بی قید و شرط کارگران اخراجی شدند. کارگران ایران خودرو، ضمن تاکید بر اتحاد، مبارزه و همبستگی کارگری، کارگران سایر بخش ها را نیز به حمایت و همبستگی با کارگران اخراجی و برای بازگشت به کار آنها، فراخواندند. در اطلاعیه ۱۲ اسفند کارگران ایران خودرو از جمله آمده است: «با اتحاد و همبستگی خود اجازه ندهیم در آستانه عید و سال نو دوستان کارگر ما کار خود را از دست بدهند. دوستان کارگر، ما می توانیم یکبار دیگر با نیروی خود و اتحاد و همبستگی خود متجاوزین به حقوق کارگران را در سر جای خود بنشانیم. ما کارگران ایران خودرو از تمام نیروهای کارگری می خواهیم اخراج کارگران پیمانکار را محکوم کرده و خواهان انحلال شرکت های پیمانکار و لغو قراردادهای موقت

آگاهی جمعی را بروز نمی دادند. مارکس این بخش از جامعه را "لومین پرولتاریا" توصیف کرده بود. در نتیجه، شیوه سازماندهی SDS کاری ملال آور، دلسردکننده و همراه با نگرانی و اضطراب بود. این شیوه کار بدین قرار بود که افراد به مناطق مجاور می رفتند، در خانه ها را یکی پس از دیگری می زدند و امیدوار بودند کسی که در را باز می کند، حاضر باشد با یک غریبه صحبت کند، اعتماد نماید و حمایت شخصی اش را ابراز دارد، تا بدین طریق گشایشی در اقدام مبارزاتی جمعی پدید آید.

اما آن افرادی که دانشجویان قصد داشتند آنها را سازماندهی کنند - "افرادی که نقش اقتصادی شان در جامعه حاشیه ای یا بی ثبات بود" - قدرتی نداشتند و سازماندهی آنها بر پایه ای استوار ناممکن بود. انقلاب اجتماعی صرفاً به فقر بستگی ندارد. بلکه همچنین نیازمند سازماندهی جمعی، بر اساس عمل مشترک در تولید، در کارخانه ها و کارگاه هاست. و این را فقیرترین بخش جامعه، یعنی بیکاران یا شاغلان مشاغل حاشیه ای، فاقد بودند.

اما دانشجویان سفید پوست طبقه متوسط، که انسان هایی صرفاً احساساتی بودند، مردم، و بیش از همه، سپاهان را آرمایی کرده بودند. این ایده آلیسم به ویژه در شیوه های تسلیم جنبش به خودانگیختگی خود را نشان می داد. نزدیک ترین چیزی که این جنبش به تئوری داشت این شعار بود: "بگذارید مردم تصمیم بگیرند". سازمان دهندگان قرار نبود رهبری کنند، بلکه تنها قرار بود آرزوهای مردم را بازتاب دهند؛ طرح یک برنامه روشن، فریبکاری و فاقد روح دموکراسی مشارکتی تصور می شد. به علاوه توده های فقیر به میتینگ ها نمی آمدند و الزاماً هم بدان معنا نبود که آنها را دوست ندارند. اما باز هم میتینگ هایی برگزار می شد که فقط خود سازمان دهندگان در آن شرکت می کردند.

زنان SDS موفق تر از مردان بودند. در حالی که مردان از متشکل کردن بیکاران حول شعار "کار یا درآمد، همین حالا" خسته و ناکام بودند، زنان به "مسائل زنان" - ایجاد مراکز تفریحی، مهدکودک ها، مدارس، چراغ های خیابان، مسکن و مسایل رفاهی - می پرداختند. آن ها "سازمان های رفاه مادران" را ایجاد کردند و اعتماد به نفس بسیاری به دست آوردند. "برای اولین بار زنان SDS زمینه مستقلی داشتند که با اتکا به آن می توانستند عزت نفس بیابند و احترام دیگران را برانگیزند."

تفکیک زمینه های فعالیت مردان و زنان SDS همراه با تنش های جنسی بود. مردان SDS سخت تحت تأثیر محیط اجتماعی ای بودند که در آن کار می کردند. فقیرترین اقشار جامعه، به ویژه مردان جوان، چنان محروم بودند که "خشونت و تهاجم فیزیکی به جزئی از زندگی روزمره شان تبدیل شده بود. یکی از اشکال مهم بروز این خشونت "machismo" - خشونت جنسی - بود. این امر در میان رهبران جنبش سپاهان بسیار رایج بود. برای مثال، الدریج کلیور، نظریه پرداز آتی "پلنگ های سپاه"، در

زندگی نامه خود به نام "روح بر یخ" تشریح می کند که چگونه در جوانی به طور مفرط، ابتدا به زنان سیاهپوست و سپس به زنان سفیدپوست، تجاوز می کرده است تا از این طریق ابراز وجود کند. او این اقدام را "یک عمل شورش" می نامید. یکی دیگر از رهبران سیاهپوست، استاکلی کارمایکل، در کنفرانس سال ۱۹۶۴ SNCC، این گفته شرم آور را بیان کرد: «تنها حالت برای زنان در SNCC دمو است.»

یکی از سازماندهان SDS ضمن یک میتینگ بزرگ در دانشگاه واشنگتن، توضیح داد که چگونه همکاران جوان سفیدپوست با زنان سفیدپوست فقیری که با آن ها کار می کردند، رابطه نزدیک برقرار می کردند:

«او ذکر کرد که گاهی پس از تحلیل نارسایی های اجتماعی، مردان با "دادن ترتیب یک دختر

به طور دسته جمعی" اوقات فراغت خود را می گذرانند. او گفت این فعالیت ها به خاطر ارتقا آگاهی سیاسی زنان جوان سفیدپوست بود. زنی در میان حاضرین پرسید: "و این کار با آگاهی آن دختر چه ربطی داشت؟"»

بسیاری از مردان SDS این نگرش زن ستیزانه را داشتند. روابط بین زنان و مردان در SDS به

کمک مالی

هامبورگ

مازیار ۶۰ یورو

سوئد - استکهلم

ک - ۵۰۰ کرون

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۴۵)

جنبش حقوق مدنی

جنبش مدرن رهائی زنان آمریکا (WLM) از درون جنبش حقوق مدنی زاده شد. یک بار قبلاً، در جنبش الغای برده داری در دهه های ۱۸۷۰-۱۸۳۰، بسیاری از زنان جنوبی طبقه متوسط در سازماندهی اقدام دستجمعی تجربه کسب کرده بودند. آن ها همچنین به حقوق بشر اعتقاد داشتند و برای حقانیت بخشیدن به خواست برابری خود به آن استناد می جستند. در جنبش حقوق مدنی که سراسر دهه ۱۹۶۰ را دربر گرفت، و WLM را بنیان گذاشت، روند مشابهی به وقوع پیوست. داستان چگونگی رشد جنبش زنان به شیوه ای مهیج در کتاب سارا اوانز، "سیاست های شخصی: ریشه های رهائی زنان در جنبش مدنی و چپ نو" نقل می شود. من به او بسیار مدیون هستم. اما از آن جایی که سارا اوانز نه یک مارکسیست بلکه یک فمی نیست رادیکال می باشد، نمی توانم با او در تفسیر وقایع موافق باشم. دانشجویان در سازماندهی جنبش حقوق مدنی در ایالات جنوبی آمریکا نقشی حیاتی داشتند. سازمان اصلی آن ها "کمیته هماهنگی مسالمت آمیز دانشجویان (SNCC)" نام داشت. این سازمان به فعالیت در پروژه هایی برای ثبت نام رأی دهندگان در جنوبی ترین ایالات و سازماندهی تحسن های توده ای با شرکت صدها هزار تن از غیردانشجویان مشغول بود که هدف آن ها پایان بخشیدن به جدایی نژادی در اماکن عمومی نظیر رستوران ها، هتل ها و ایستگاه های اتوبوس بود. سارا اوانز می نویسد:

جنگ با جامعه سفید پوست همگانی به نظر می رسید. در چنین بستری... در زمستان ۱۹۶۱ اعضای SNCC قدم زدن، صحبت کردن و لباس پوشیدن را به شیوه دهقانان فقیر سیاه پوست و خوش نشینان نواحی روستایی جورجیا و می سی سی پی آغاز نمودند.

از همان ابتدا، عده ای از زنان جوان سفید پوست، زندگی خود را وقف شورش جوانان سیاهپوست کردند.

اکثر زنان سفید پوستی که در سال های اولیه در جنبش حقوق مدنی شرکت داشتند، زنان جنوبی بودند، و این زنان جنوبی سفیدپوست، عملاً بدون استثناء، ابتدا از طریق کلیسا به جنبش حقوق مدنی می پیوستند.

بین سال های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵، صدها زن جوان سفید پوست از طبقات متوسط و مرفه به جنوب رفتند. هرچند اختلافات عمیق طبقاتی، رنگ پوست و جنسیت زنان سفیدپوستی که برای حقوق سیاهان تلاش می کردند، مانع ادغام شان با آن ها می شد. SNCC که به نیابت از سوی سیاهان فعالیت می کرد، در ایجاد یک جنبش توده ای

ناکام ماند. بدون ریشه در طبقه کارگری که تولید جمعی آن را به هم پیوسته است، انشقاق گریزناپذیر بود. طبیعی ترین انشقاق، بر اساس رنگ پوست، بین سیاه پوستان و سفید پوستان بود. سارا اوانز می نویسد: "تنش های نهفته جنسی و نژادی بر اثر حضور صدها سفید پوست جوان از طبقات متوسط و مرفه در جنبشی که اساساً جنبش سیاه پوستان فقیر روستایی بود، این جنبش را به سوی نقطه گسست سوق می داد." یک زن سیاهپوست گفت:

«مشکلی که زنان سفید پوست در SNCC داشتند فقط مشکل بین زن و مرد نبود... بلکه مشکل زنان سیاهپوست با زنان سفید پوست نیز بود. این بیشتر یک مشکل نژادی بود تا مشکلی زنانه. و اگر از زن سفید پوستی پرسیده شود آیا با خصومت زنان سیاه پوست مواجه شده است، پاسخ می دهد، "اوه! یک عالمه... روابط جنسی او با مردان سیاه پوست، مانعی بین او و زنان سیاه پوست ایجاد می کرد."

زنان سفیدپوست به شدت تحت تاثیر این تجربه قرار داشتند. معدودی از آن ها فوراً جا زدند و در رفتند. هر چند، اکثر آنها تعهدات خود پای بند ماندند و با کوله باری از تجربه ای که نقطه عطفی در زندگی شان بود، به شمال بازمی گشتند. اما ستیز در SNCC تنها بین زنان سیاهپوست و مردان و زنان سفید پوست نبود. بلکه آن گاه که مردان سیاهپوست هر چه بیشتر از ایده عدم خشونت و "سیاهان و سفیدان در کنار یکدیگر" دور شدند، بین مردان سفید و سیاهپوست نیز بود. در سال ۱۹۶۵ مسیر "قدرت سیاه" آشکار شده بود. "از حضور سفیدپوستان در تمامی بخش های جنبش حقوق مدنی کمتر و کمتر استقبال می شد."

در میان دانشجویان ایالات شمالی، جنبش مشابهی به وجود آمد. در بهار ۱۹۶۰ که دانشجویان سیاهپوست در شمال یک موج تحسن را آغاز کردند، بین ۶۰،۰۰۰ تا ۸۰،۰۰۰ دانشجوی شمالی از آن حمایت کردند. آن ها نیز عمدتاً "از خانواده های طبقه متوسط و متوسط مرفه" می آمدند. سازمان "دانشجویان برای یک جامعه دمکراتیک" (SDS) در پاسخ به این نیاز جنبش تشکیل شد. این سازمان بین سال های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵ با الگو برداری از SNCC کار سازماندهی در شهرهای شمالی را آغاز کرد.

معدودی از دانشجویان SDS آمادگی لازم برای مواجهه با واقعیت های روزمره سازماندهی را داشتند. آن ها سازماندهی در میان "جنبش سیاهان و ... فقرای غیر متشکل" را برگزیده بودند، یعنی آن بخشی از جامعه که در مقایسه با سیاهان جنوبی، نشانی از خود سازمانیابی یا در صفحه ۷



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepetry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaians (Minority)
No. 448 march 2005

از همه رفقا، دوستان و سازمان های سیاسی که به مناسبت فرارسیدن بهار ونوروز برای سازمان ما کارت تبریک فرستاده اند سپاسگزاری می کنیم.
با امید به پیروزی کارگران و زحمتکشان، ما نیز متقابلاً سال جدید را شادباش می گوئیم.
سازمان فدائیان (اقلیت)

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی